

فقرزدایی است یا فقر افزایی؟!

نوشته دکتر انور خامه‌ای

یکی از مزایای عمده‌ای که دولت و مدافعان آن برای لایحه بودجه سال ۱۳۷۶ ذکر می‌کنند طرح فقرزدایی آن است. بنا به نوشته روزنامه همشهری به تاریخ ۷۵/۱۰/۱۸ مطابق این لایحه دولت قصد دارد علاوه بر اقداماتی که در برنامه‌های توسعه به عمل می‌آورد، سیاست‌های ایجاد اشتغال - تمهیداتی را فراهم کند که در آینده خانواده‌های نیازمند حداقل دستمزد کارکنان دولت (ماهانه ۱۸۵ هزار ریال) افزایش یابد. این طرح را از دو جهت می‌توان مورد بررسی قرار داد. نخست از نظر تأمین محل درآمدهای لازم الاجرای آن و این که آیا خود اینها بجای این که گره

به حساب فقرزدایی خواهد بود. چون این مواد بلااستثناء مورد مصرف قشرها و خانواده‌های مردم است، بی‌شک افزایش بهای آنها موجب افزایش مخارج ضروری هر خانواری خواهد شد. اکنون اگر درآمد هر خانوار را ثابت فرض کنیم، چیزی که در مورد اکثریت مطلق خانوارها صدق می‌کند، این افزایش بهای فرآورده‌های نفتی موجب کسری درآمد خانوار نسبت به مخارج ضروری آن یعنی موجب کاهش سطح زندگی عمومی خواهد شد. و در مورد کسانی که در روی خط فقر یا زیر آن قرار داشته‌اند موجب افزایش فقر و محرومیت خواهد گردید.

افزون بر این چون تمام موسسات صنعتی، کشاورزی، بازرگانی و خدماتی بلا استثناء به این فرآورده‌ها نیاز دارند، افزایش بهای اینها باعث بالا رفتن بهای تولید تمام کالاها و خدمات و در نتیجه افزایش تورم خواهد شد. بنابراین بطور غیرمستقیم نیز موجب کاهش سطح زندگی عمومی و افزایش فقر و محرومیت قشرهای فقیر و محروم می‌شود.

(ب) افزایش ۵٪ بهای گاز مصرف خانگی. شکنی نیست که این افزایش نیز بر بودجه خانوارهایی که گاز مصرف می‌کنند فشار وارد می‌آورد. لیکن ممکن است بگویند این گونه خانوارها متمکن و مرفه‌اند و در هر حال فقیر و محروم نیستند و این افزایش تأثیری در فقر و محرومیت ندارد. گرچه این گفته کاملاً صحیح و دقیق نیست چون ممکن است کارمند جوان کم درآمدی اجباراً محلی را اجاره کرده

گشای فقر و محرومیت مردم باشد، مشکلات بیشتری برایشان ایجاد نخواهد کرد. و دیگر از نظر توزیع این درآمدها که در راه چه مصارفی به کار خواهد رفت و آیا واقعاً از فقر و محرومیت نیازمندان خواهد کاست و بی‌ثباتی و درمادنگی را از کشور ما خواهد زدود یا مانند بسیاری گفتارها و وعده‌های دیگر، شعارهایی دلگرم کننده ولی بی‌اثر بیش نخواهد بود.

۱- از بررسی محل درآمدهای لازم برای اجرای این طرح (کلاً ۲۶۰ میلیارد تومان) آغاز می‌کنیم. در این لایحه محل‌های زیر برای تأمین مبلغ فوق در نظر گرفته شده است:

(الف) افزایش ۵٪ بر بهای فرآورده‌های نفتی افزون بر افزایش سنواتی مقرر در برنامه پنج ساله دوم. به عبارت دیگر اگر فرضاً بنزین، گازوئیل، نفت سفید و نفت سیاه مطابق قانون پنجساله دوم هر سال ۱۰٪ باید بالا برود در سال آینده ۱۵٪ بالا خواهد رفت که ۵٪ آن



دکتر انور خامه‌ای

باشد که دارای لوله کشی گاز باشد و ناچار مجبور به تحمل بهای آن گردد که تحمیل زیادی برایش خواهد بود. با وجود این از این موارد استثنایی چشم می‌پوشیم. لیکن همین افزایش بطور غیرمستقیم بر محرومان فشار می‌آورد. فرض کنید بهای گاز منزل یک تعمیر کار لوازم برقی افزایش محسوسی پیدا کند. طبیعی است او هم بهای تعمیر لوازم را بالا می‌برد و دوباره سنگینی افزایش بهای گاز بر دوش محرومانی که لوازم برقی مختصرشان مثلاً رادیو یا سماور یا اجاق برقی خراب شده است می‌افتد. این امر در مورد تمام پیشه‌وران فنی و خدمات فنی صدق می‌کند.

(ج) ۵٪ افزایش به بهای هر پالس تلفن. اثر این اقدام نیز شبیه افزایش نرخ گاز است یعنی بطور کلی



شرکت فرآورده‌های فلزی

ایمن حسوله

طرح - محاسبه و اجرای انواع

سازه‌های فولادی سوله

پل هوایی و زمینی

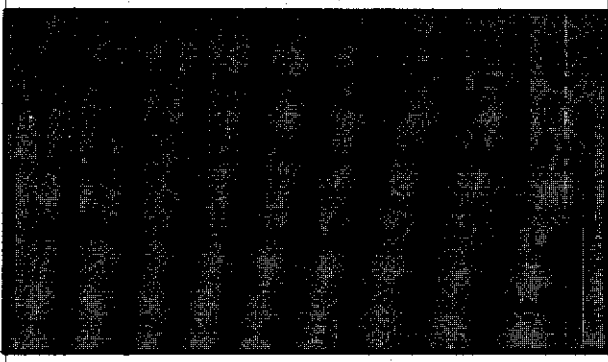
اسکلت پیش ساخته

مطابق با استانداردهای بین‌المللی

تلفن و فاکس دفتر مرکزی تهران

۸۵۰۷۸۱-۸۴۸۱۳۷

هزینه زندگی را در تمام کشور بالا می‌برد. درست است که قشرهای محروم تلفن شخصی ندارند اما از تلفن کردن که بی‌نیاز نیستند، ناچار باید متوسل به دکه‌ها یا محل‌های خصوصی شوند و بهای بیشتری بپردازند. افزون بر این مؤسسات، کارخانه‌ها و به ویژه فروشگاههای بزرگ و کوچک و مغازه‌های خدمات در حساب کلی خود فیش چند هزار تومانی تلفن را محسوب می‌دارند و بهای آن را از مشتری



مردم برای تأمین حداقل مواد غذایی برای زنده ماندن نیست. در این سالهای اخیر به انواع و اقسام طرق از این کمک کاسته، و اکنون جز نان که بهای آن چند برابر شده و روغن نباتی و قند و شکر که به صورت تعادلی با بهایی ده برابر بیش از گذشته توزیع می‌شود و دو شیشه شیر در هفته برای هر خانواده چیزی از آن باقی نمانده است. آیا کاستن از همین پارانه مختصر را می‌توان گامی در جهت فقرزدایی نام نهاد؟! یا اینکه آن را بهتر است فقرافزایی نامید؟

دریافت می‌کنند و میان دارا و ندار و نیازمند و ثروتمند فرقی نمی‌گذارند. مثلاً فلان آرایشگاه وقتی دید بر مبلغ فیش تلفن رقم چشمگیری اضافه شده، هیچوقت از خودش مایه نمی‌گذارد بلکه نرخ آرایش را بالا می‌برد. نظارتی هم که در کار نیست. انصاف و مروت هم که حکم سیم‌خ و کیمیا را پیدا کرده است.

(د) وصول ۳٪ مالیات فقرزدایی از محصولات پتروشیمی این یکی دیگر صد در صد تکلیفش معلوم است. وقتی دولت ۳٪ از محصولات پتروشیمی از کارخانه‌دار مالیات اضافه بگیرد، بهای عمده فروشی این کالاها دست کم ۵٪ بالا می‌رود، دلال و خرده فروش هم سهم خود را دارند، لذا این کالاها حداقل ۱۰٪ گرانتر به دست مصرف کننده می‌رسند. اثر تورمی آن آشکار است و فقرافزایی آن هم. اتفاقاً این کالاهای پلاستیکی وسایلی است که بیش از همه، قشرهای فقیر و محروم از آنها استفاده می‌کنند چون دسترسی به وسایل چینی، استیل، کریستال و غیره ندارند ناچار به ملائین و پلاستیک متوسل می‌شوند.

(ه) افزایش ۵۰ ریال بر تعرفه سفارش کالا. آیا دولت انتظار دارد، بازرگان یا کارخانه‌دار این ۵۰ ریال را محضاً و به نیت فقرزدایی بدهد و در محاسبات خود وارد نکند؟ مسلماً چنین احتمالی بسیار ضعیف است و این ۵۰ ریال هم جزو ارقام دیگر وارد بهای کالا می‌شود و موجب افزایش تورم می‌گردد.

(و) وصول سالانه معادل ۶٪ از کل بدمی شرکتهای دولتی بابت سرمایه گذاریهای انتفاعی دولت. این جمله مهم است. اگر منظور این باشد که از میالغی که شرکتهای دولتی بابت سود سرمایه گذاری و غیره به دولت می‌پردازند ۶٪ برای فقرزدایی کنار گذاشته می‌شود، یعنی از درآمد دولت پرداخته می‌شود، خوب ضرری ندارد و موجب تورم اضافی نمی‌شود. اما اگر این گونه تفسیر شود که شرکتهای دولتی باید افزون به بدیهیهای خود ۶٪ اضافه بابت فقرزدایی بپردازند، باز مانند موارد پیش گفته موجب افزایش بهای کالاها و خدمات این شرکتها و در نتیجه تورم خواهد شد و دود آن به چشم مردم فقیر و محروم خواهد رفت. امیدواریم که تعبیر اول درست باشد نه این تفسیر اخیر.


(ز) «اختصاص سالانه نیم درصد از اعتبارات جاری و عمرانی بودجه عمومی دولت به عنوان صرفه‌جویی» گرچه سوابق تاریخی نشان می‌دهد که صرفه‌جوییها از بودجه دولت کمتر عملی شده بلکه بجای آن اضافه خرج نیز پدید آمده است، ولی صمیمانه آرزو مندیم این بار این صرفه‌جویی انجام گیرد و به مصرف واقعی آن برسد.

(ح) «اختصاص ۴٪ از اعتبارات مربوط به یارانه مواد غذایی منظور در بودجه سالانه» این مورد دیگر آشکارا نقض غرض است. باید از تنظیم‌کنندگان این

توزیع منابع در پرده ابهام

از آنچه گفتیم معلوم شد که جز در یک مورد (بند (ز)) موارد دیگری که برای تأمین درآمد جهت طرح فقرزدایی پیش‌بینی شده عموماً موجب افزایش تورم خواهد شد و در نتیجه بر فقر و محرومیت قشرهای نیازمند خواهد افزود. اکنون به‌بینیم این درآمدها چگونه توزیع خواهد شد و به چه مصارفی خواهد رسید؟

۲- پرسش اصلی این است: این ۲۶۰ میلیارد ریال را بین چه کسانی، چه خانوارهایی و بر چه مبنایی توزیع خواهند کرد تا واقعاً در جهت رفع محرومیت و فقرزدایی باشد؟ حقیقت این است که در این طرح حتی یک کلمه هم در این باره گفته نشده است و مسئله توزیع این مبلغ، یعنی چگونگی فقرزدایی را کاملاً در پرده ابهام نگاه داشته‌اند! از این رو ما ناگزیر خود این بررسی را به عهده گرفته‌ایم، یعنی بر این اساس که این مبلغ باید صرف بهبود زندگی کسانی گردد که به نحوی می‌توان آنان را فقیر و محروم دانست به بررسی وضع هر یک از قشرهایی که بتوان این عنوان را بر آنها اطلاق کرد پرداخته‌ایم تا به بینیم کدام یک مستحق‌ترند و چگونه باید این مبلغ را صرف بهبود زندگی آنها کرد. اینک بررسی وضع هر کدام از این قشرها:

 <p>دفتر عملیاتی شرکت ایران دانش در داخل ترمینال شهید رجایی بندرعباس، بندر شهید رجایی، انبار صادرات شماره ۱۰، طبقه دوم تلفن / فاکس مستقیم: ۵۶۳۶۴۱ (۰۷۶۱)</p> <p>MEARSK LINE SERVICE ALL THE WAY</p>	<p>دفتر بندرعباس: شرکت ایران دانش بندرعباس، خیابان امام خمینی، ساختمان مجید، طبقه چهارم تلفن: ۵۵۵۵۲۳ - ۵۵۶۸۶۵ ۵۵۵۴۴۳ - ۵۵۵۴۴۹ (۰۷۶۱) فاکس: ۵۵۱۸۱۶ (۰۷۶۱)</p>	<p>شرکت ایران دانش (سهامی خاص) نماینده انحصاری کشتیرانی مرسک‌لاین تهران، خیابان خالد اسلامبولی، شماره ۱۳۱، ساختمان شیراز صندوق پستی: ۴۴۶۵-۱۴۱۵۵ تلفن: ۸۷۱۱۷۲۲ / فاکس: ۸۷۱۴۸۵۱ تلفن: ۲۱۵۵۷۸ MILA IR</p> <p>سهامی خاص</p>
<p>شرکت ایران دانش نماینده انحصاری کشتیرانی مرسک لاین بزرگترین خط کشتیرانی کلتینری در جهان</p> <p>آسوده خاطر با کشتیرانی مرسک لاین</p>		

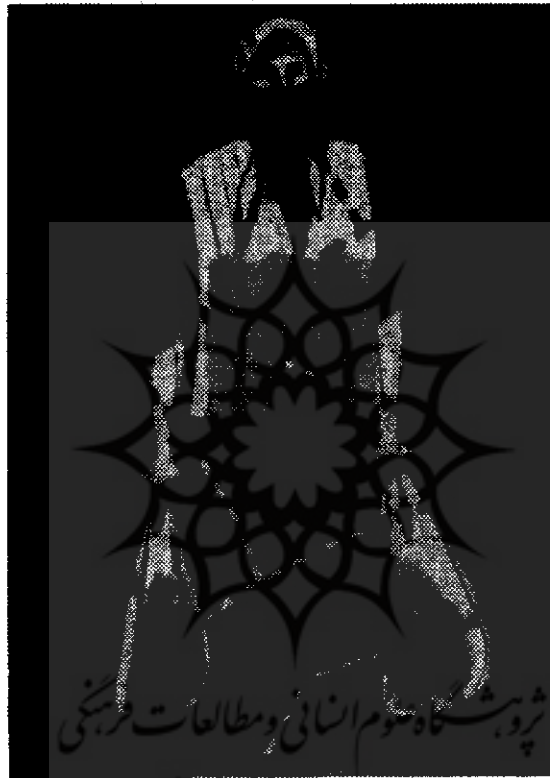
الف) نخستین گروهی که اصطلاح فقر و فقیر به آنها اطلاق می‌شود متکدیان و سائلان به کف‌اند. اگر بنا باشد میزان فقر جامعه‌ای را از روی شمار این گروه و فلاکت و بینوایی ظاهریشان قضاوت کرد، باید قبول کرد که تهران یکی از فقیرترین شهرهای دنیاست، زیرا در هر گوشه آن، به ویژه در میدانهای اصلی، ترمینالها و گردشگاههای مهم، صدها نمونه از بدترین نوع فقر به چشم می‌خورد و براساسی هر کدام از این مراکز نمایشگاهی از انواع مناظر رقت‌انگیز درمادگی است!

اما کیست که باور کند این گدایان حرفه‌ای درآمد روزانه‌شان از یک کارمند متوسط و حتی عالی‌رتبه دولت کمتر است؟ تحقیقات جامعه‌شناسی فراوانی در کشورهای صنعتی و در حال رشد درباره این قشر انجام گرفته و نشان داده است که آنها نیز مانند دزدان و جنایتکاران حرفه‌ای و مافیایا تشکیلات پیچیده و گاهی ترسناکی دارند با صندوقهای تعاونی که مبالغ کلانی در آنها نهفته است و در مواقع لزوم صرف آدم‌کشی، دزدیدن افراد نامطلوب، به فسادکشاندن و از بین بردن مأموران دولت و حتی قضاوت دادگاهها می‌شود. متأسفانه در ایران تا آنجا که من اطلاع دارم هیچگونه پژوهشی در این زمینه انجام نگرفته است. لیکن در پنجاه سال اخیر چندین بار دولتها تصمیم به جمع‌آوری آنها و تشکیل اردوگاههای آموزش و تأدیب گرفته‌اند و حتی قانونها یا آئین‌نامه‌هایی نیز تدوین و تصویب شده است. اما پس از چندی همه آنها کان‌لم یکن شده و همه چیز به حال اول باز گشته است. آنچه مسلم است این که این اشخاص ممکن است بیمار

اجتماعی باشند و نیاز به درمان داشته باشند، اما فقیر و محروم به معنای واقعی نیستند. بسیاری از آنها هنگام مرگ یا دستگیری اندوخته کلانی داشته‌اند. این گروه نیاز به اصلاح یا بهتر است بگویم ریشه‌کنی دارند اما نه به کمک مادی یا فقرزدایی.

ب) گروه دیگر بیکارانند. بی‌شک بیکاری یکی از گرفتاریهای مهم جامعه ماست. با افزایش جمعیت تعداد بیکاران افزایش می‌یابد چون رشد تولید و فعالیت اقتصادی متناسب با رشد جمعیت نیست. از سوی دیگر انحطاط روستاها و مهاجرت روستائیان به شهرها بر این کمبود می‌افزاید. عوامل دیگر مانند جنگ و پناهندگان خارجی وضع را دشوارتر می‌کند. اما آیا چاره آن جمع‌آوری مبلغ ۲۶۰ میلیارد ریال

است؟ با این مبلغ چه می‌خواهید بکنید؟ آیا می‌خواهید میان بیکاران سرشکن کنید؟! آیا میل دارید برای هر بیکار کمک خرج معین کنید؟! حتی برای این کار نیاز به آمار جامعی از بیکاران دارید، که ندارید! تازه این کار نه عملی است نه فایده‌ای دارد. اگر به فرض عملی هم بود جز یک مشت عجزه چیزی تحویل جامعه نمی‌دادید. مسئله بیکاری عمقاً باید بررسی و کالبد شکافی شود. گروههای متنوع بیکار مشخص شوند و برای رفع مشکلات هر گروه قانونها



و آئین‌نامه‌های مناسبی وضع گردد. این کاری است که سالها پیش باید انجام می‌شد و هنوز معوق مانده است. با این طرح مبهم و بی‌بنیاد «فقرزدایی» چه کاری می‌توانید برای بیکاران انجام دهید؟ هیچ!

ج) گروه دیگری که ممکن است احتمالاً مشمول این طرح قرار گیرد مستعمری‌بگیران مختلف مانند خانواده‌های شهدا، جانبازان و آزادگانند. شکی نیست که باید به این گروه کمک کرد و اگر مشکلاتی از لحاظ معیشت یا بهداشت و غیره داشته باشند بر طرف ساخت. اما هر کدام از این خانواده‌ها مشمول قانونها و آئین‌نامه‌های ویژه‌ای هستند و از آن ممر زندگیشان تأمین می‌شود. اگر هر کدام از آنها گرفتاری داشته باشند باید از طریق اصلاح قانون یا آئین‌نامه مربوط به

آنها بگونه‌ای بنیادی رفع گردد. نه اینکه با یک کمک یا اعانه مقطعی از طریق طرح «فقرزدایی» سعی در استمالت و دلجوئی و در عین حال پنهان ساختن درد اساسی شود. چنین روشی هم ناپایدار و بیهوده است و هم شایسته شأن و حیثیت چنین خانواده‌های ارجمندی نیست. به هر حال مسلم است که طرح «فقرزدایی» به درد هیچکدام از این سه گروه (الف، ب، ج) نمی‌خورد. البته فرض را بر این نهاده‌ایم که سطح زندگی کارمندان و کارگران و بازنستگان بالای خط فقر قرار دارد و ایس قشرها نیازی به «فقرزدایی» ندارند. بعد در این زمینه بحث خواهیم کرد.

د) حالا فرض کنیم، فرض محال که محال نیست؛ که مستمندان و نیازمندان وجود داشته باشند که جزو هیچکدام از این قشرها نباشند، پس باید به آنها کمک کرد و از فلاکت و درمادگی نجاتشان داد. آیا برای کمک به چنین نیازمندان فرضی احتیاج به تدوین چنین طرحی و تأمین چنین مبلغی وجود دارد؟ ابداً. چون از آغاز بنیادگذاری نظام جمهوری اسلامی، سازمانهایی مخصوص کمک و رسیدگی به چنین اشخاص و چنین مواردی تأسیس شده و میلیاردها تومان از مردم دریافت داشته‌اند بدون این که هیچگونه حسابی پس بدهند و مورد رسیدگی قرار گیرند. یکی حساب شماره ۱۰۰ انعام (ره) است که از آغاز اختصاصاً برای چنین موارد استثنایی پیش‌بینی شده است. دیگری صندوقهای صدقه‌ای است که هزاران عدد آن در هر گوشه و کنار نصب شده و پس از گذشت

بیش از ده سال هنوز ما نمی‌دانیم متصدی تعدادی از آنها کیست؟ چه مبلغی جمع‌آوری شده و به چه مصارفی رسیده است. غیر از آن هم سازمان ۱۵ خرداد و سازمانهای خصوصی دیگری هستند که یکی از وظایف عمده آنها رفع همین‌گونه موارد فردی و استثنائی است.

ها از همه اینها که بگذریم. واقعیت این است که قشر محروم حقیقی کارمندان و کارگرانند یعنی قشرهایی که درآمدشان ثابت است و متناسب با تغییر ارزش پول تغییر نمی‌کند. وقتی در جامعه‌ای مانند کشور ما نرخ تورم بین ۳۰ تا ۵۰٪ در سال نوسان می‌کند یعنی بهای کالاها و خدمات هر روز بالا می‌رود، کسی که درآمدش ولو برای یک سال شمی

می‌کرد، با همه آنها از یک توالیت و یک آب‌انبار استفاده می‌کرد و در یک حوض دست و رو را می‌شست. و هیچ احساس فقر و محرومیت هم نمی‌کرد. امروز یک زوج جوان اگر یک آپارتمان مستقل با تمام لوازم ضروری نداشته باشد احساس محرومیت می‌کند. در آن زمان همه با چراغ نفتی زندگی می‌کردند و امثال من تحصیلاتمان را زیر چراغ نفتی انجام داده‌ایم. امروز اگر یک لحظه برق قطع شود گویا دنیا زیر و رو شده است. دستها از کار می‌افتد، قلمها پرت می‌شود، شکوه‌ها آغاز می‌گردد و همه دست روی دست می‌گذارند تا جناب برق از راه برسد.

افزون بر این تغییر کلی سطح زندگی، یک عامل روانی دیگر احساس محرومیت قیاس و چشم و هم چشمی است. لباس نو، آرایش، تزئینات اینها از ضروریات زندگی نیست. اما وقتی قیاس و هنجار اطرافیان در نظر گرفته شود، ایجاد حس محرومیت می‌کند. به ویژه برای قشر کارمندان دولت که روحیه و فرهنگ خاصی دارند و در محیط اداری زیست می‌کنند.

اگر دولت واقعاً می‌خواهد فقرزدایی کند، باید همه این عوامل را در نظر بگیرد. با این طرح فقرزدایی، نه تنها کاری از پیش نمی‌رود بلکه بر فقر و محرومیت کارمندان و کارگران افزوده می‌شود. اگر فرض کنیم، فرض محال که محال نیست، که دولت این ۲۶۰ میلیارد تومان کفایتی را بطور مساوی میان کارمندان و کارگران تقسیم کند، باز هم هیچ دردی را از آنها درمان نخواهد کرد.

سرشک از زخم پاک کردن چه حاصل
علاجی بکن کز دلم خون نیاید




نباتی را کارخانه به او ۶ تومان می‌داد و او ۷ تومان می‌فروخت یعنی به دلار، ۱۰ سنت سود می‌برد و درآمد داشت. حالا همان روغن را کیلویی ۵۰۰ تومان می‌فروشد معلوم نیست چقدر خریده است، فرض کنیم ۴۰۰ تومان یعنی معادل ۲۰ سنت استفاده کرده است. حتی اگر فقط ۵۰ تومان هم روی بهای خرید بکشد و بفروشد تازه ۱۰ سنت سود برده است. یعنی تورم هیچ تأثیر بدی برایش نداشته، بلکه درآمد واقعی او را بالاتر هم برده است.

جنبه روانی فقر

یک نکته دیگر را نیز باید در نظر گرفت. فقر و محرومیت تنها یک مسئله مادی و مالی و اقتصادی نیست، یک جنبه روانی هم دارد. افراد یک جامعه در یک سطح ثابت زندگی نمی‌کنند. سطح زندگی متوسط جامعه دائماً در حال تغییر است. آنچه دیروز اصلاً ضروری نبود و تجملی شناخته می‌شد امروز حیاتی شده است. شصت سال پیش هنگامی که من به دبیرستان می‌رفتم یک خانواده پنج نفری در یک اتاق

ثابت بماند، در ماه اسفند نسبت به فروردین همان سال ۳۰ تا ۵۰ درصد فقیرتر شده، یعنی سطح زندگی پائین آمده است. در سالهای اخیر بعضی مقامات دولتی عادت کرده اند محاسبات و ارقام اقتصادی و مالی را یادآورد نشان می‌دهند. بگذارید ما هم حقوق کارمندان و کارگران را با همین روش محاسبه کنیم. در سال ۱۳۵۸ حداقل حقوق یک کارمند ۲ هزار تومان و حداکثر آن ۱۶ هزار تومان بود، یعنی به دلار ۷ تومانی آن زمان کارمندان دولت از ۳۰۰ دلار تا ۲۳۰۰ دلار حقوق می‌گرفتند که میانگین آن ۱۳۰۰ دلار در ماه می‌شد. اما حالا حداقل ظاهری حقوق کارمندان دولت

۱۸۵۰۰ تومان و حداکثر آن ۷۰ هزار تومان است که البته بخش مهمی از آن به عنوان مالیات، بیمه، بهداشت و غیره کسر می‌شود که ندرتاً می‌گیریم. میانگین حقوق کارمندان دولت را یکی از نمایندگان مجلس ضمن بحث درباره بودجه ۳۵ هزار تومان ذکر کرد. حالا اینها را به دلار ۲۸۰ تومان تسعیر کنید حداقل حقوق کارمند ۲۸/۵ دلار، حداکثر آن ۱۴۵/۸ دلار و میانگین حقوق کارمند ۷۳ دلار می‌شود آن هم دلالی که ارزش آن در بازار بین المللی نسبت به آن زمان کاهش یافته است، چون خود گرفتار تورم است. این معنی حقیقی فقر و محرومیت است. سطح زندگی کارمندان حداقل ده برابر و حداکثر ۲۰ برابر کاهش یافته و بدتر شده است. وضع کارگران نیز به همین منوال است. حالا این وضع کارمند را نمی‌گویم با یک مقاطعه کار، بساز بفروش یا بازرگان، بلکه با یک پیشه‌ور معمولی، یک کاسب سر محل مقایسه کنید. این پیشه‌ور اگر خیلی مؤمن و پرهیزگار باشد هر کالایی را که می‌خرد یا می‌آورد به او تحویل می‌دهند بین ۱۰ تا ۲۰ درصد روی آن می‌کشد و می‌فروشد. در سال ۱۳۵۸ یک کیلو روغن



دفتر عملیاتی شرکت ایران دانش
در داخل قریه‌نیل شهید رجایی
بلدربعباس، شهید رجایی، انبار
صادرات شماره ۱۰، طبقه دوم
تلفن / فاکس مستقیم: (۰۷۶۱) ۵۶۳۶۴۱

MEARSK LINE
SERVICE ALL THE WAY

دفتر بلدربعباس:
شرکت ایران دانش
بلدربعباس، خیابان امام
خمینی، ساختمان مجید، طبقه
چهارم
تلفن: ۵۵۶۸۶۵ - ۵۵۵۵۲۳
(۰۷۶۱) ۵۵۵۴۴۹ - ۵۵۵۴۴۳
فاکس: (۰۷۶۱) ۵۵۱۸۱۶

شرکت ایران دانش (سهامی خاص)
نماینده انحصاری کشتیرانی مرسک لاین
تهران، خیابان خالد اسلامبولی، شماره
۱۳۱، ساختمان شیراز
صندوق پستی: ۴۴۶۵ - ۱۴۱۵۵
تلفن: ۸۷۱۷۷۲، فاکس: ۸۷۱۴۸۵۱
تلفکس: ۲۱۵۵۷۸ MILA IR

سهامی خاص

شرکت ایران دانش
نماینده انحصاری کشتیرانی مرسک لاین
بزرگترین خط کشتیرانی کانتینری در جهان